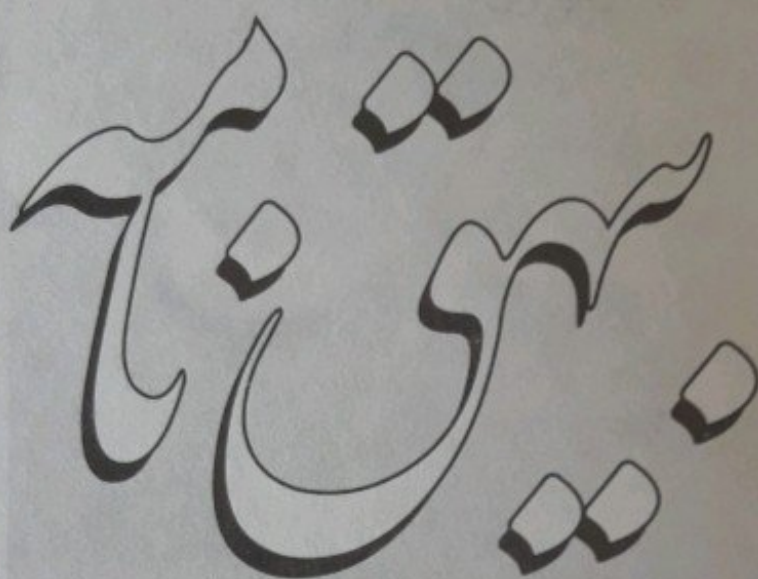
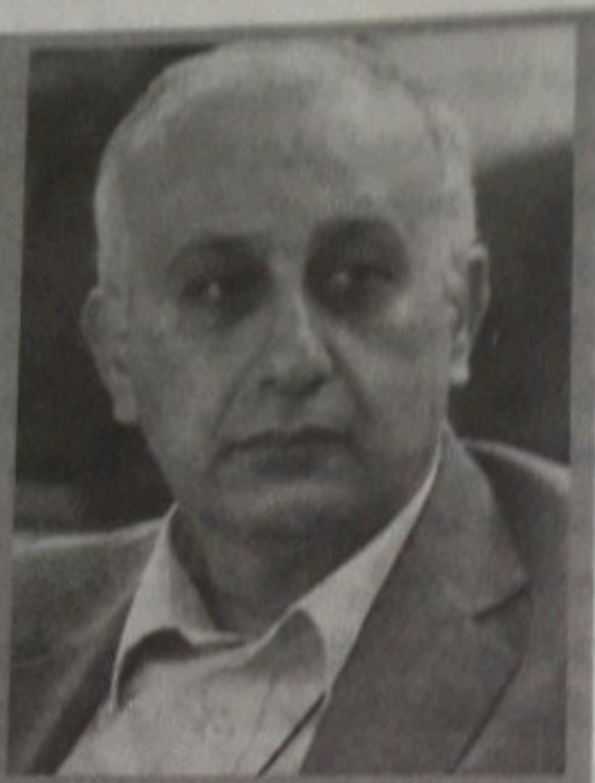


بسم الله الرحمن الرحيم



فصلنامه فرهنگی هنری

سال اول - شماره اول - پاییز ۱۳۹۶



دکتر عبدالرزق فتوات

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ بیهق، اثر ابوالحسن علی بن زید بیهقی مشهور به ابن فندق (ح ۴۹۰ - ۶۵۶ ق) یکی از مهم ترین و مشهورترین تاریخ های محلی ایران تا پیش از برآمدن مغولان است. این کتاب که از نظر سبک و روش تا حدود زیادی از دیگر تاریخ های کهن شهرها و نواحی ایران متمایز است، اوضاع سیاسی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و ادبی این منطقه را از آغاز تا اواسط قرن ششم بیان کرده است. اهمیت مضاعف این اثر در آن است که ابن فندق کتاب خود درباره منطقه ای مهم از خراسان را درست پنجاه سال پیش از سرآزیر شدن مغولان به این ناحیه به رشته تحریر درآورده و اثری مهم به پژوهشگران تاریخ این دوره عرضه کرده است. در این نوشته در دو بخش درباره نویسنده تاریخ بیهق و اثر او سخن به میان آمده است.

۱. نویسنده تاریخ بیهق

بهترین منبع برای آگاهی از شرح حال ابن فندق (ح ۴۹۰-۵۶۵ ق) زندگینامه خودنوشت اوست در کتاب مشارب التجارب. به رغم موجود نبودن این کتاب، خوشبختانه یاقوت حموی آن را در کتاب

معجم الادباء نقل کرده است.^۱ جز این می‌توان از آنچه ابن فندق به صورت پراکنده در کتاب تاریخ بیهق آورده است نیز بهره برد.

۱-۱. خاندان بیهقی

بیهقی خود را از نسل صحابی پیامبر، خزیمه بن ثابت انصاری، دانسته است.^۲ از طرف دیگر وی اجداد یمنی خویش را نیز معرفی کرده و از این بابت خود را با مهلب بن ابی صفره که بنا به قول مشهور او نیز یمنی بود، از یک ریشه دانسته است.^۳ خاندان‌های حاکمیان و فندقیان که اعقاب خزیمه بن ثابت بودند و بیهقی از آنان بود، در قصبه سیوار از نواحی بَست ساکن بودند.^۴ جد بزرگ او، حاکم امام ابوسلیمان فندق (م ۴۱۹ ق)، در دوره حکومت سلطان محمود غزنوی و با نظر وزیر احمد حسن میمندی، برای تصدی منصب قضاء به نیشابور مأمور شد. فندق بعدها از کار قضاء کناره گرفت و در بیهق سکونت گزید، هرچند پسرانش در شهرهای اطراف به شغل پدر ادامه دادند.^۵ جد بیهقی، شیخ الاسلام امیرک نیز قاضی نیشابور بود ولی به دلیل ناآرامی اوضاع از این کار کناره گرفت و به بیهق رفت.^۶ پدرش، شمس الاسلام ابوالقاسم زید بن محمد (۵۱۷-۴۴۷ ق) نیز اهل علم بود. او بیست سال را در بخارا گذراند.^۷ بیهقی از طرف مادر نیز به خاندان مهم و مشهور بیهقیون وابسته بود. جد مادری‌اش «رئیس عالم ابوالقاسم البیهقی از احرار روزگار بوده است و از افاضل عهد».^۸ بیهقی داستان‌هایی را از گفتگوهای او در مجالس وزیر عمیدالملک کندری و وزیر خواجه نظام‌الملک نقل کرده^۹ که جایگاه شایسته علمی و اخلاقی او را بازتاب می‌دهد؛ اما مادر بیهقی نیز حافظ قرآن و آگاه از تفسیر آن بود.^{۱۰}

۱-۲. تحصیلات بیهقی

بیهقی در حدود سال ۴۹۰ ق در روستای ششتمد از توابع بیهق متولد شد^{۱۱} و همان‌جا به مکتب رفت و کتاب‌هایی در ادبیات، لغت، نحو، منطق، علوم قرآنی و... خواند و از بر کرد.^{۱۲} در همان سنین

۱. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۷۶۰ به بعد.

۲. ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۳.

۳. همو، ص ۸۴.

۴. همو، ص ۱۰۱.

۵. همو، ص ۱۰۲.

۶. همو، ص ۷۹.

۷. همو، ص ۱۰۶.

۸. همو، ص ۱۰۹.

۹. همو، ص ۱۱۰-۱۱۲.

۱۰. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۷۶۱.

۱۱. ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۴۴.

۱۲. یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۷۶۰.

کودکی برای استفاده از حوزه علمی نیشابور که در آن روزگار بسیار شکوفا بود، به این شهر رفت و در مدارس آنجا درس خود را ادامه داد. می‌دانیم که او در سال ۵۰۰ ق در نیشابور بوده است. از آن رو که خود درباره قتل فخرالملک پسر خواجه نظام‌الملک در ماه محرم این سال آورده است: «من آن یاد دارم و در عهد کودکی در دبیرستان معلّم بودم به نیشابور»^۱. در سال‌های جوانی در همین شهر نزد ابوجعفر المقرئ، امام جامع شهر، درس خواند. سپس نزد احمد بن محمد میدانی شاگردی کرد و همزمان نزد امام ابراهیم حرار کلام و از امام محمد فراوی حدیث آموخت. از نیشابور به مرو رفت و نزد ابوسعید یحیی از رجال آل صاعد به آموختن فقه پرداخت و در مسجد و مدرسه مرو مجلس وعظ تشکیل داد. در سال ۵۲۱ ق از مرو به نیشابور برگشت و در بیهق با دختر شهاب‌الدین محمد بن مسعود، والی ری، ازدواج کرد. مدتی بعد متصدی قضاء بیهق شد ولی اندکی بعد از این کار کناره گرفت؛ به ری رفت و یک سال آنجا ماند و به مطالعه حساب و جبر و مقابله و نجوم پرداخت و در بازگشت به خراسان، این علوم را نزد استادی به نام عثمان بن جادوکار تکمیل کرد. در سال ۵۳۰ ق به دنبال دیدن خوابی، برای استفاده از محضر قطب‌الدین محمد مروزی راهی سرخس شد. در سال ۵۳۲ ق به نیشابور برگشت و تا سال ۵۳۶ ق آنجا ماند. در نیشابور مورد تکریم بزرگان شهر قرار گرفت و مجالس متعدد وعظ تشکیل داد و تا سال ۵۴۹ ق در این شهر سکونت داشت. در این سال به بیهق بازگشت.^۲ او سفری نیز به عراق داشت.

۱-۳. مرادده با دربار سنجر

بیهقی در دوره طولانی تسلط سلطان سنجر بر خراسان، رابطه خوبی با دربار او داشت. گرچه به جز دوره‌ای بسیار کوتاه، مشاغل دولتی نپذیرفت، اما سابقه خانوادگی و نیز جایگاه علمی و ادبی برجسته‌اش باعث شد تا مورد عنایت دربار سنجر قرار گیرد. این او بود که پاسخ‌نامه ملک ابخاز به سنجر را به دو زبان عربی و سریانی نوشت.^۳ نیز یک بار پس از بازگشت سلطان سنجر از «مضاف عراق» در مجلس او خطبه‌ای ایراد کرد.^۴ البته این وضع در سال‌های آخر عمر بیهقی برهم خورد و با برافتادن سلطان سنجر (۵۵۲ ق) و بروز آشوب در خراسان، بیهقی موقعیت سابق را از دست داد. شرایط بد اقتصادی و پا گذاشتن به سنین پیری و بخصوص از رونق افتادن کار علم و علما او را واداشت تا در مقدمه تاریخ بیهق از «ضعف و پیری و روزگار نامساعد - که علاج‌پذیر نیست - و قلت مال و کثرت عیال و استغنائی خلق از افادت و استفادت...» به سختی شکوه و شکایت کند.^۵

^۱ ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۷۶-۷۷.

^۲ باقوت حموی، معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۷۶۰-۱۷۶۲.

^۳ ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۱۶۳.

^۴ همو، ص ۱۰۰.

^۵ همو، ص ۵.

۱-۴. دانش و آثار بیهقی

بیهقی را در رشته‌های مختلف علمی دستی توانا بود. فهرستی مفصل که از بیش از هفتاد عنوان کتاب و رساله خویش به دست داده است^۱ و دقت در عناوین و انواع آن‌ها، جایگاه علمی او را به خوبی آشکار می‌سازد. او در سال ۵۵۵ ق به دانشمندان یوزکندی که بر سر راه حج به بیهق وارد شدند، اجازه نقل حدیث داد.^۲ گفتیم که سریانی می‌دانست و نامه ملک ابن‌خاز به سلطان سنجر را به دو زبان عربی و سریانی پاسخ نوشت.^۳ شعر می‌گفت؛ هم به عربی و هم به فارسی. یاقوت نمونه‌هایی از اشعار عربی او را آورده^۴ و نمونه‌ای از فارسی آن را نیز خود در تاریخ بیهق گنجانیده است.^۵

درباره تاریخ‌دانی بیهقی باید اشاره کرد که از جمله آثار او کتابی است به نام مشارب التجارب و غوارب الغرائب که در حقیقت ذیلی بر تاریخ یمنی عتبی بوده است.

تاریخ عتبی حوادث را تا سال ۴۱۰ ق مطرح کرده بود و بیهقی اثر خود را به حوادث میان این سال تا حدود ۵۶۰ ق اختصاص داد. طبیعتاً این کتاب شامل حوادث سال‌های حکومت غزنویان، سلجوقیان و نیمه اول دولت خوارزمشاهیان بوده است.^۶ اما فراتر از این باید یادآور شد، فصلی که در ابتدای کتاب تاریخ بیهق درباره علم تاریخ و فواید آن آورده است، یکی از جالب‌ترین نوشته‌ها در نوع خود، در سده‌های میانه تاریخ اسلام و ایران است.

۲. تاریخ بیهق

تاریخ بیهق کتابی است در تاریخ این ناحیه و شرح حال بزرگانی که به آنجا منسوب‌اند (دانشمندان، ادیبان، شاعران، مقامات سیاسی، سادات، دیران، حکیمان، پزشکان، خاندان‌های مشهور علمی و سیاسی). این کتاب کم‌وبیش حاوی مطالبی درباره جغرافیای این منطقه است. به عنوان نمونه باید اشاره کرد که یاقوت در کتاب معجم البلدان در مواردی اخبار جغرافیایی خود را از این کتاب اقتباس کرده است.^۷

^۱ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۷۶۲-۳.

^۲ ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۴۱.

^۳ همو، ص ۱۶۳.

^۴ یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۷۶۴-۸.

^۵ ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۱۰۰.

^۶ همو، ص بد از مقدمه قزوینی.

^۷ درباره کوره بشتفروش از توابع نیشابور رکت: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۲۶، درباره قصبه یشک رکت: همان، ص ۵۲۸، درباره قریه تکاف رکت: ج ۲، ص ۳۷-۸، درباره کوره رخ از توابع نیشابور رکت: ج ۳، ص ۳۸، درباره ریوند رکت: ج ۳، ص ۱۱۵، درباره کوره زام از کوره‌های نیشابور رکت: همان، ص ۱۱۷، درباره روستای زاوه رکت: همان، ص ۱۲۸، درباره زوزن و داستان بنای آتشکده آن رکت: همان، ص ۱۵۸، درباره شامات از توابع نیشابور رکت: همان، ص ۳۱۱.

تاریخ بیهق به تصریح مؤلف آن، در سال ۵۶۳ ق و در زمان امارت مؤید آی آبه از غلامان سلطان سنجر که بعد از مرگ او، امور خراسان را در دست گرفت، به رشته تحریر درآمد. چنین احتمال داده‌اند که بیهقی مدت‌ها قبل از این تاریخ یعنی در سال ۵۴۴ ق تحریر اول کتاب را به پایان برده ولی تا مدتی پیش از مرگش در سال ۵۶۵ ق همچنان مطالبی به آن افزوده است.^۱

۱-۲. منابع تاریخ بیهق

بیهقی در نوشتن این کتاب، علاوه بر مشاهدات و آگاهی‌های شخصی، از منابع تاریخی بسیاری سود برده است. از آن جمله: تاریخ نیشابور حاکم، تاریخ بیهق امام علی بن ابی صالح خواری، تاریخ مرو معدانی، تاریخ طبری، یکی از نوشته‌های مدائنی («تصنیف مدائنی»)، مزید التاریخ، سیاق التاریخ عبدالغافر فارسی، مفاخر خراسان ابوالقاسم کعبی بلخی، کتاب ولای خراسان سلامی، تاریخ امام ابوسعید خرقشی، تاریخ بیهقی و تاریخ امام اوحدالدین رشیدی.

۲-۲. انگیزه بیهقی در نگارش تاریخ بیهق

او در نوشتن کتاب خود از خواست هیچ سلطان و امیری پیروی نکرد و ظاهراً حب الوطن و مفاخرات مرسوم نیز بر کار او تأثیری چندان نداشت. بیهقی همانند یک دانشمند راستین با انگیزه‌ای کاملاً علمی، برای احیای علم و دانش به نگارش این کتاب دست زد. وی در مقدمه کتاب، با شرح نابسامانی‌های روزگار خویش و از رونق افتادن کار علم و علماء، از انگیزه خود در نوشتن این کتاب این گونه سخن گفته است:

«درین ادوار ناسازگار و روزگار غدار و زمن پرمحن و فتن که آمال و امانی بصدد تلاشی است و ملت طراوت علم منسوخ و ممیز آن سیمرخ و کبریت احمر گشته و همگنان از دست جور زمانه از پای درآمده ... وقتی ناگاه داعیه پدید آید که در احیاء علوم به مقدار توانش سعی‌ای اختیار کرده آید و تجدیدی هر فنی را بارزانی داشته و جهد المقل غیر قلیل».^۲

این چنین روشن می‌شود که مخاطبین بیهقی در نگارش این کتاب مشتاقان علم و دانش بودند تا بلکه در آن دوران کساد علم و معرفت برای حرکتی علمی به آنان نهیبی زده باشد.

۳-۲. محتوای تاریخ بیهق

کتاب تاریخ بیهق با خطبه‌ای آغاز می‌شود حاوی شکوه و شکایت نویسنده از حوادث روزگار. سپس به بیان کساد علوم نقلی (انساب و حدیث و تاریخ) در خراسان می‌پردازد. درباره حدیث این چنین

^۱ هادی، «تاریخ بیهق»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۲۸۶.

^۲ ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۳.

شکوه کرده است:

«این مایه عظیم باشد و بلایی بزرگ که در زیادت از صد فرسنگ از امت محمد رسول الله دو عالم نباشد که ناقد اسانید و احادیث مصطفی (صلعم) باشد»^۱

درباره تاریخ نیز دوران خود را دوره کسادى این علم می داند:

«عهد مورخان منقرض شده است و همم بقایای امم در مهاوی قصور و نقصان قرار گرفته و هر کسی لذت در جمع و منع می دانند و این لذتی اندک باشد نسبت با لذت کبری»^۲

در ادامه فصلی آورده است درباره علم تاریخ و فواید آن که در نوع خود بسیار جالب و ارزشمند است.^۳ سپس در «فصل فی ذکر الولايات» فهرستی از ۵۰ ولایت مشهور عالم ارائه داده است. «فصل فی اعداد تواریخ المشهوره» به معرفی مختصر برخی تاریخ های مشهور اسلامی اختصاص دارد و به دنبال آن ذیل عنوان «ذکر تواریخ شهرها و ولایت ها و مصنفان» به معرفی شماری از تاریخ های محلی نایاب خراسان پرداخته است:

«و من این تاریخ بیهق که ساختم از تاریخ نیشابور که تمام تر است و از اجزای امام علی بن ابی صالح الخواری رحمه الله و از کتب دیگر جمع کردم»^۴

به دنبال آن بابی آورده است «فی فضائل بیهق». شامل احادیثی و معرفی شماری از صحابه پیامبر که به این شهر آمدند و آنجا از دنیا رفتند (ص ۲۲-۲۵). بیهقی از اعقاب آنان در منطقه نیز گزارش داده است. یکی از اخبار جالب این بخش، این است که همام بن زید بن وابصه از صحابه رسول خدا که در روستای ایزی بیهق ساکن بوده، کاسه آن حضرت را همراه داشته است.^۵

«فصل فی ذکر فتح بیهق» حاوی گزارشی مختصر از فتح نیشابور و بیهق به دست عبدالله بن عامر در سال ۳۰ ق است. در همین فصل، گزارش نویسنده از آمدن یزدگرد سوم به بیهق دو سال پیش از این، اردوگاه او در بیهق، و وصف صورت و سیرت آخرین پادشاه ایران جالب توجه است.^۶ به دنبال آن بابی آورده است «در ذکر هوای بیهق». حاوی مطالبی منقول از پزشکان درباره مکان های سالم تر برای سکونت و اطلاعاتی اقلیم شناسی درباره تأثیرات اقلیم بر زندگی مردم آن. سپس به شرح هوای بیهق پرداخته است. در ادامه فصلی را به «ذکر مضافات منسوب به هر شهری» اختصاص داده و منسوبان به هر جا را نام برده است. از آن جمله «ادبای بیهق»^۷ را. «فصل در ذکر آفات و امراض ولایات» (ص ۲۹-۳۲) حاوی اطلاعاتی جالب است درباره مصر و سجستان و بطایح و سند و هند و

۱. همو، ص ۳.

۲. همو، ص ۴.

۳. همو، ص ۷-۱۷.

۴. همو، ص ۲۱.

۵. همو، ص ۲۵.

۶. همو، ص ۲۶.

۷. همو، ص ۲۸.

قاسان و موصل و یمامه و ...

«باب در اشتقاق لفظ بیهق و حدود آن» شامل مطالبی درباره وجه تسمیه این شهر است. سپس ارباع مختلف آن را باز گفته و از اشعار خود نیز در آن گنجانیده است. این بخش شامل اطلاعاتی جغرافیایی، اقتصادی، تاریخی و حتی زبانشناسی است (ص ۳۳-۳۹). به دنبال آن بایی است «در بیان بنای سبزوار و وقایع عظام که اینجا اتفاق افتاده است» (ص ۳۹-۵۴). در این بخش بیهقی به تاریخ قبل از اسلام پرداخته و بنای سبزوار و توابع آن را به دست شاهان ایرانی بیان کرده است. گاهی نیز به برخی نکات مردم شناسانه جالبی پرداخته است.^۱ سپس تاریخ سبزوار و حوادث مهم آن را در گذر ایام باز گفته است. از آن جمله می توان به فتح آن به دست اعراب، حمله و کشتار حمزه آذرک در آنجا و آمدن یحیی بن زید به این منطقه اشاره کرد. یکی از گزارش های جالب بیهقی در این باب، خبر نزول امام محمد بن علی (ع) به ده ششتمد است. او که برای دیدار پدر، عازم مرو بود، بر سر راه، در این روستا فرود آمد.^۲ آمدن هارون و نیز ورود مأمون بر سر راه بغداد به روستای نزل آباد نیز از گزارش های جالب بیهقی در این قسمت از کتاب هستند. حکایتی اختصاصی از بنای مسجد آدینه سبزوار و تجدید بنای آن و نیز زلزله های منطقه و برخی حوادث جزئی دیگر، سایر مطالب این بخش را تشکیل می دهند.

بیهقی در ادامه بایی را اختصاص داده است به «ذکر خاندان های قدیم و شریف در این ناحیه» که در آن از سادات بیهق، توطن آنان در این منطقه، اختلافات علویان منطقه، انساب و اعقاب آنان و ولادت و وفیات ایشان گزارش داده است. یکی از اخبار جالب این بخش، گزارش بیهقی از سید ابوالحسین نامی است که در دوره سامانیان در نیشابور مدعی خلافت شد و جمعی با او بیعت کردند و مدت چهار ماه به نام او خطبه خلافت خواندند.^۳ فصل «تاریخ طاهریان و اعداد ملوک ایشان» به اختصار به امیران این سلسله پرداخته است و به دنبال آن از صفاریان، سامانیان، محمودیان، سلجوقیان، خاندان نظام الملک، خاندان مهلبیان.^۴ خاندان فولادوند، خاندان حاکمیان و فندقیان.^۵ مطالبی به دست داده است. سخنان بیهقی درباره حاکمیان و فندقیان، حاوی اطلاعاتی منحصر به فرد درباره اجداد اوست. در همین بخش متن نامه ای از دیوان سلطان طغرل بک درباره جدش حاکم امام ابوعلی را عیناً نقل کرده است.^۶ سپس از بیهقیون که اجداد مادری او بوده اند، سخن گفته^۷ و نیز اولاد ابی نعیم المختار.^۸

^۱ به عنوان نمونه رک: ص ۴۲ آنچه درباره واژه «سای» آورده است.

^۲ همو، ص ۴۶.

^۳ همو، ص ۵۷.

^۴ از اینان با تفصیل سخن گفته رک: ص ۸۳-۹۴.

^۵ همو، ص ۱۰۱ به بعد.

^۶ همو، ص ۱۰۲-۳.

^۷ همو، ص ۱۰۷-۱۱۲.

^۸ همو، ص ۱۱۳.

در این بخش نیز متن نامه‌ای از خواجه امیرک بروقنی به امیر نصر بن ناصرالدین برادر سلطان محمود را نقل کرده است.^۱ در ادامه نیز از داریان، میکالیان، مستوفیان، عزیزیان، عنبریان،^۲ حاتمیان و سایر خاندان‌های مشهور منطقه از آن جمله بزازان که خاندانی قدیم و ثروتمند و بانفوذ بوده‌اند، سخن گفته است. در این باب، به مناسبت، اطلاعاتی ارزشمند از اوضاع آموزشی و وعظ و خطابه در شهر نیشابور ارائه شده است.

یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین بخش‌های کتاب تاریخ بیهق، بابی است «در ذکر علما و ائمه و افاضل که از این ناحیت برخاسته‌اند و یا به این ناحیت انتقال کرده‌اند». اینان عمدتاً محدثان و شاعران هستند، ولی در میان آنان پزشکان، فیلسوفان و منجمان نیز به چشم می‌خورند. شمار آنان ده‌ها نفر است و بیهقی ضمن آوردن شرح حال ایشان، اطلاعاتی قابل توجه درباره نام مدارس (و در یک مورد یک صومعه)،^۳ مکان آن‌ها، شیوه‌های آموزش، شیوه‌های وعظ و خطابه، نام اساتید، کتب بزرگان و بخصوص اشعار و احادیث آنان به دست داده است. در همین فصل گاه به مناسبت از آداب و رسوم و سیاست‌های مذهبی امرای نیز سخن به میان آمده است. این فصل از اظهارنظرهای رجالی بیهقی خالی نیست.

بیهقی فصلی جداگانه را به شعرای پارسی گوی اختصاص داده است (ص ۲۵۵-۲۶۲). یکی از نکات جالب این فصل، گزارش او از شاعری به نام محمد بن سعید بیهقی است که شعری داشته است به زبان بیهقی.^۴ فصلی نیز به شعرای ذواللسانین اختصاص یافته است (ص ۲۶۲-۴). مطالب بیهقی در این فصول نشان می‌دهد که وی علاوه بر شاعری، در شناخت فنون شعر و صنایع آن متبحر بوده است.^۵ در همین باب، گاه به معرفی برخی خاندان‌های علمی پرداخته است. یکی از اخبار جالب بیهقی در این باب، گزارش او از نسخه‌های تاریخ ابوالفضل بیهقی است:

«آن همانا سی مجلد منصف زیادت آن باشد. از آن مجلدی چند در کتابخانه سرخس دیدم و مجلدی چند در کتابخانه مهد عراق رحمها الله و مجلدی چند در دست هر کسی و تمام ندیدم».^۶ بیهقی در فصلی جداگانه نیز تحت عنوان «بزرگانی که از ناحیت بیهق خاسته‌اند» (ص ۲۶۴-۶) به معرفی دولتمردان عالی‌رتبه بیهقی پرداخته است. سپس تحت عنوان «ذکر وقایع عظام که درین ناحیت اتفاق افتاده است»، فهرستی از مهم‌ترین وقایع بیهق در دوره اسلامی ارائه کرده است (ص ۲۶۶-۷۶). این بخش از کتاب، شامل مطالب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارزشمندی است. از اخبار

^۱ همو، ص ۱۱۴-۱۵.

^۲ در این قسمت متن نامه‌ای فارسی از سلطان محمود به سلطان مسعود درباره خواجه ابوالقاسم دبیر را آورده است. رک: ص ۱۲۱.

^۳ همو، ص ۲۱۷.

^۴ همو، ص ۲۵۶.

^۵ به عنوان نمونه رک: ص ۲۴۶.

^۶ همو، ص ۱۷۵.

جالبی که بیهقی در این بخش آورده است روایاتی اختصاصی از قول جدش، شیخ الاسلام امیرک، از اردوی غزنویان در شادیاخ و نابسامانی کار آنان است.^۱

یکی از فصول جالب تاریخ بیهق به «غریب» این شهر اختصاص دارد که نویسنده در آن به معرفی علما، ادبا، کاریزها، محصولات، آب‌ها، کفشگران، میوه‌ها، معادن، قلم‌ها، صنایع، منسوجات، باران‌ها و برودت‌های شگفت بیهق پرداخته است. داستان سرو کاشمر و سرو فریومد که از نکات خواندنی کتاب هستند، در این فصل قرار دارند.

آخرین فصل کتاب به «مؤیدالدوله و الدین خسرو خراسان آی ابه» اختصاص دارد و دعای «خلدالله دولته»^۲ نشان می‌دهد که آن را در ایام حکومت او نوشته است. به دنبال آن ذکر است از ساداتی که در خسروجرد دفن بوده‌اند و سرانجام خطبه پایانی کتاب (ص ۲۹۶-۹) که همانند آنچه در شروع آن آورده، حاوی دل‌تنگی‌های مؤلف است از حوادث روزگار و برشمردن عیوب دنیا.

کتاب تاریخ بیهق حاوی اطلاعاتی ارزشمند درباره نیشابور و بخصوص اوضاع علمی و آموزشی و اماکن این شهر است^۳ که در دست نبودن نسخه کاملی از تاریخ نیشابور حاکم بر اهمیت آن‌ها می‌افزاید. علاوه بر این، باید اشاره کرد اشعار فراوان عربی و فارسی که بیهقی در کتاب خود گنجانیده، بر ارزش ادبی آن افزوده و گاه آن را به تذکره‌ای از شعرا شبیه ساخته است. ثبت نام برخی کتب نایاب و نویسندگان آن‌ها در جای‌جای کتاب، یکی دیگر از نکات مفید تاریخ بیهق است. تنها به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم به «الفقیه ابودجانه البیهقی» که او را کتابی نفیس است در دهقانی^۴ و بیهقی مطالبی را از آن نقل کرده است.^۵ نیز

کتاب تاریخ بیهق حاوی اطلاعاتی ارزشمند درباره نیشابور و بخصوص اوضاع علمی و آموزشی و اماکن این شهر است که در دست نبودن نسخه کاملی از تاریخ نیشابور حاکم بر اهمیت آن‌ها می‌افزاید.

کتاب مفاخر اتراک از حکیم مجازی قاینی،^۶ السیره المسعودیه از ابویعلی بیهقی،^۷ کتاب الفرح بعد الترح از ابوالعباس عنبری^۸ و بخصوص دواوین بسیاری که بیهقی از آن‌ها نام برده است. کتاب تاریخ بیهق نیز همانند دیگر آثار تاریخ محلی از اسطوره‌ها و افسانه‌هایی که پیشینیان ساخته بودند خالی نیست. به عنوان نمونه بیهقی یک جا آورده است که عزیر از شام به مشرق آمد و با او خاکی بود که ارمیای پیامبر به او داده بود و خواسته بود که در هر شهری که خاک آن هم‌وزن این

^۱ همو، ص ۲۷۴.

^۲ همو، ص ۲۸۴.

^۳ تنها به عنوان نمونه رک: همو، ص ۱۶۵، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۱۶، ۲۲۹ و...

^۴ همو، ص ۱۴۶.

^۵ همو، ص ۲۴۱.

^۶ همو، ص ۱۸۰.

^۷ همو، ص ۱۸۲.

خاک باشد سکونت کند. ارمیا به مرو رسید و خاک آن را با خاک همراه خود برابر یافت. پس در این شهر سکونت گزید و کنیسه‌ای بنیان نهاد.^۱ یا اینکه گشتاسب به دستور ایوب نبی شهر بلخ را بنا کرد،^۲ یا اینکه ابراهیم را علاوه بر مسجدالحرام، در پوشنگ نیز مسجدی بود.^۳

اهمیت تاریخی کتاب تاریخ بیهق به اندازه‌ای است که یکی از منابع اصلی اطلاعات مربوط به خراسان در سده‌های میانه تاریخ ایران و اسلام به شمار می‌آید.

بیهقی یکی از قدیم‌ترین کسانی است که فهرستی - هرچند ناقص - از تاریخ‌های محلی ایران به دست داده است. او در مقدمه کتاب پانزده تاریخ محلی ایرانی را معرفی کرده و گاه درباره آن‌ها توضیحی مختصر آورده است. آنچه وی بخصوص از کتاب مفاخر خراسان ابوالقاسم الکعبی البلخی^۴ و نیز مزید التاریخ ابوالحسین محمد بن سلیمان که ذیل تاریخ ولای خراسان سلامی بوده، نقل کرده است^۵ حائز اهمیت بسیار است و ابهامات زیادی را که در خصوص این دو کتاب وجود دارد، برطرف می‌کند. منقولات او از تاریخ مرو معدنی نیز در جای خود از اهمیت برخوردار است.^۶

روزنتال کتاب تاریخ بیهق را از طرح کلی تاریخ‌های محلی دینی برخوردار دانسته است. به نظر او اختصاص فصلی به صحابه‌ای که به بیهق آمدند و نیز ذکر احادیث متعدد نبوی در ضمن شرح حال‌ها را می‌توان به‌عنوان شواهد این ادعا در نظر گرفت.^۷ اما واقعیت این است که کتاب ابن فندق دارای ساختاری دوگانه است: این کتاب مهم از یک سو به

گزارش وقایع و حوادث پرداخته و از سوی دیگر شرح حال مشاهیر بیهق را به تفصیل گزارش داده است؛ بنابراین هم به تاریخ‌نامه‌های محلی^۸ شبیه است و هم به زندگینامه‌های محلی. بخشی از این کتاب که به شعرای بیهق و ذکر اشعاری از آنان اختصاص یافته، به تذکره‌ای از شعرا شبیه است. بر اساس همین ساختار دوگانه، همان‌گونه که روزنتال نیز اشاره کرده است گنج‌اندن کتاب تاریخ بیهق در گروه مشخصی از تاریخ‌های محلی ایرانی دشوار است و این اثر از این منظر اثری خاص و منحصر به فرد به شمار می‌آید.

^۱ ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۲۲.

^۲ واعظ بلخی، فضائل بلخ، ص ۱۶.

^۳ حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۶۶.

^۴ همو، ص ۱۵۴.

^۵ همو، ص ۹۳.

^۶ همو، ص ۲۶.

^۷ Rosenthal, P. 161.

^۸ برای تقسیم‌بندی تازه‌ای از تاریخ‌های محلی ایران از آغاز تا برآمدن مغولان رکن: قنوت، تاریخ‌نگاری محلی ایران تا سده هفتم هجری.

نثر تاریخ بیهق را نثری ساده و متوسط ولی سرشار از مزایا و محسنات لفظی و معنوی که خاص نویسندگان سده‌های ۴ تا ۷ ق است، دانسته‌اند.^۱ یکی از ویژگی‌های نثر بیهقی آن است که وی در مواردی نثر عربی و فارسی را در هم آمیخته و این گونه نثری ملمع ولی شیرین خلق کرده است. به عنوان مثال:

الف. گاهی نقل قول‌ها را عیناً به عربی آورده است.^۲

ب. معمولاً سلسله نسب‌ها را به عربی آورده است. به عنوان نمونه به این مورد دقت کنید:

«اما فرزندان سید ابوالفضل البغدادی - هو علی بن احمد بن داود - فالعقب منه ابوالبرکات زید بن علی و ابومحمد الحسن بن علی و این ابومحمد بلهاوور (؟) افتاد و العقب من ابی البرکات زید بن علی الباشتینی السید بدرالدین ولی بن زید الباشتینی بود رحمه الله».^۳

ج. معمولاً وفيات را به عربی آورده است:

«سید اجل یحیی با زهد و نسب و ثروت فضلی تمام داشت و او را شعر تازی و پارسی بسیار است. مادر ایشان بنت الشیخ رئیس الزکی علی بن ابی نعیم احمد بن محمود بود. توفی السید الاجل العزیز فی آخر لیلۃ من رمضان سنه سبع و عشرين و خمسمائه».^۴

د. گاه در جملات معمولی نیز چنین ترکیباتی را آورده است. به عنوان مثال، یک جا پس از نقل چند بیت شعر آورده است «دیگر بیت یاد نکردم لفحش کان فیه».^۵ نیز آورده است: «و خلایق بسیار بودند ازین رهط درین ناحیت. بیشتر از دار دنیا انتقال کردند و بعضی اغتربوا و ما سمعنا منهم خبرا».^۶

اما تاریخ بیهق، هم به دلیل ثبت اشعار فارسی و نام بردن از دیوان‌های متعدد شعرا قابل توجه است و هم نثر متوسط ولی زیباییش، به آن اهمیت ادبی شایسته‌ای بخشیده است. این کتاب در کنار تاریخ سیستان، تاریخ بلعمی و تاریخ گریزی، از قدیم‌ترین متون نثر زبان فارسی به شمار می‌آید و از این نظر دارای اهمیت بسیار است. بی تردید آثاری همانند تاریخ بیهق، عقدالعلی للموقف الاعلی، ترجمه تاریخ بخارا و فارسنامه نمونه‌هایی مهم از نثر فارسی را در دوره احیای آن (سده‌های ۵ و ۶ ق) و تا پیش از حمله مغول به نمایش می‌گذارند. این گونه، این دسته از آثار، اهمیتی دوگانه می‌یابند: هم دوره‌هایی از تاریخ شهرها و نواحی ایران را گزارش می‌کنند و هم به عنوان نمونه‌هایی مهم از نثر فارسی، موضوع بررسی ادیبان و وسیله روشن شدن دوره‌ای مهم از تاریخ ادبیات فارسی قرار

۱. ابن فندق، ص ۱۸ مقدمه بهمیار.

۲. به عنوان نمونه رک: همو، ص ۸۵، ۹۲.

۳. همو، ص ۶۴.

۴. همو، ص ۵۷.

۵. همو، ص ۱۵۴.

۶. همو، ص ۶۴.

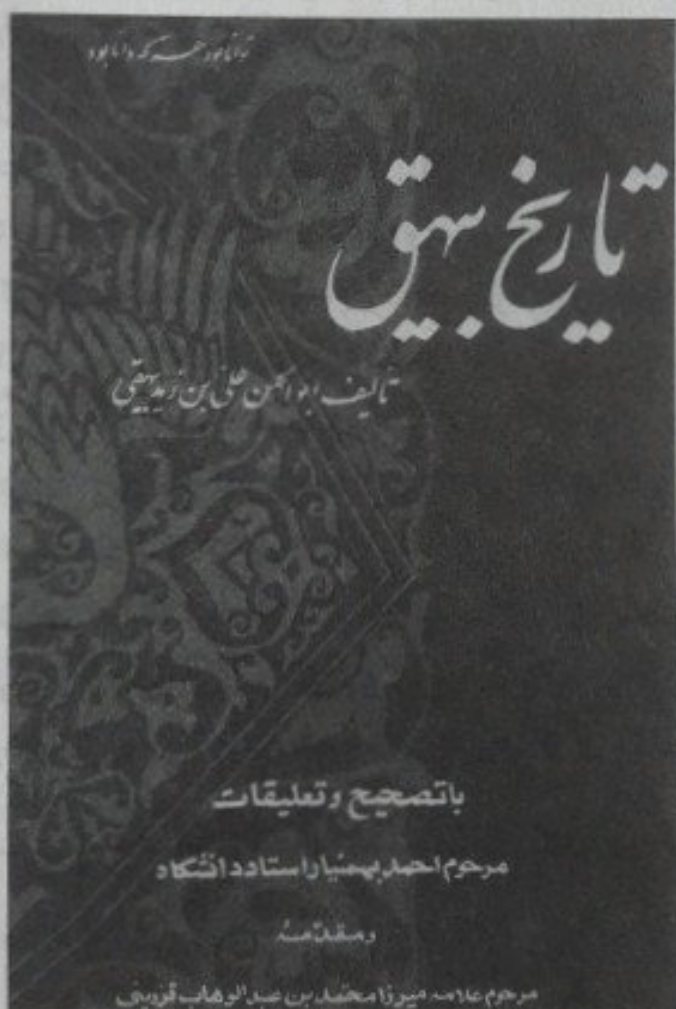
می گیرند. بر این اساس، این آثار درحالی که در قلمرو تاریخ‌نگاری، آثار محلی و محدود به شمار می آیند، در قلمرو ادبیات، از جایگاهی ملی و بسیار فراتر از تعلق به شهر یا ناحیه‌ای خاص برخوردار هستند.

۲-۵. چاپ‌های تاریخ بیهق

تاریخ بیهق نخستین بار به کوشش احمد بهمنیار در سال ۱۳۱۷ شمسی در یک جلد در تهران منتشر شد. این چاپ بر اساس نسخه متعلق به سال ۸۳۵ ق، موجود در بریتیش میوزیوم لندن و مقابله با یکی دو نسخه دیگر صورت گرفت.^۱ بهمنیار تعلیقاتی بر متن کتاب افزوده و

بعضی کلمات و عبارات را شرح داده است و فهرستی از مطالب کتاب به آخر آن ضمیمه کرده است. این کتاب بار دیگر به کوشش کلیم‌الله حسینی در سال ۱۹۶۸ م در حیدرآباد دکن به چاپ رسید.

این کتاب بر اساس سه نسخه موجود از آن به کوشش دکتر سلمان ساکت، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد



^۱ همان، ص ۵ از مقدمه بهمنیار؛ ص ۱۰ از مقدمه قزوینی.

تصحیح شده و به زودی منتشر می شود.

۲-۶. ترجمه تاریخ بیهق

تاریخ بیهق توسط نویسنده معاصر، یوسف هادی، به عربی ترجمه شده است. ترجمه عربی این کتاب با تصحیح و تعلیقات و مقدمه‌ای در شرح حال و آثار ابن فندق در سال ۲۰۰۴ م در دمشق منتشر شد.^۱ یک نکته مهم آنکه بر اساس مقایسه‌ای که یوسف هادی میان نسخه‌های موجود با منقولات ابن فوطی از تاریخ بیهق صورت داده، آشکار گردیده که این منقولات در مواردی بسیار مفصل‌تر از آن چیزی است که در نسخه‌های موجود تاریخ بیهق آمده است. در برخی موارد نیز اساساً مطالب منقول از این کتاب، در نسخه‌های خطی موجود نیست. از این رو مترجم کتاب در اینکه آنچه اکنون از تاریخ بیهق در دست است، نسخه کامل آن باشد، تردید کرده است.^۲

^۱ هادی، «تاریخ بیهق»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۲۸۶.

^۲ همان جا.

کتابشناسی

- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، انتشارات مروی، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۱.
- حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، تهران ۱۳۷۵.
- قنوت، عبدالرحیم، تاریخ نگاری محلی ایران تا سده هفتم هجری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
- واعظ بلخی، فضائل بلخ، عبدالله بن محمد بن محمد، تصحیح عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۰.
- هادی، یوسف، «تاریخ بیهق»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران ۱۳۸۵.
- یاقوت حموی، معجم الادباء، تصحیح احسان عباس، دارالغرب الاسلامی، بیروت ۱۹۹۳.
- معجم البلدان، دار صادر، بیروت ۱۹۹۵.
- Rosenthal, A History of Muslim Historiography, E.J. Brill, second Edition, Leiden, 1968